

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک  
نویسنده: فیل باتلر  
برگردان: م. قربانی  
۰۹ می ۲۰۲۳

## فروپاشی قریب الوقوع اقتصادی - علت جنگ جاری!



رئیس‌جمهور برازیل، لوئیس ایناسیو لولا دا سیلوا، از کشورهای بریکس خواست تا بدیل دیگری به جای دلار در تجارت خارجی به وجود آورند. متخصصان دیگری معتقدند که سیاست‌های بایدن طبقه میانی را در آمریکا برای همیشه نابود خواهد کرد. این خبر هنگامی منتشر می‌شود که چین و روسیه ارتباطات خود را با برازیل و آمریکای لاتین تحکیم می‌بخشند. رهبر برازیل بنیادهای دلار آمریکا را به مثابه ارز بازرگانی جهانی زیر سؤال برد و پرسید چرا هر کشور نمی‌تواند با ارز رایج خود به مبادله بازرگانی بپردازد.

این خود لحظه‌ای تاریخی را در معرض عموم قرار داد، لحظه‌ای که ستندرد طلا به سود نظم جاری ملغی شد. وقتی که ریچارد نیکسون در راه الغاء ستندرد طلا، به عنوان مکانیسم تعهد گام برداشت، دستگاه حکومت وی ده‌ها سال بی‌ثباتی و نوسان نسبی را تجربه و هدایت کرده بود و (راهکار) پول قوی را ایجاد کرد.

مبادلات طلا شدیداً از طریق توافق پولی بین‌المللی برتون وودز در سال ۱۹۴۴ کاهش پیدا کرد. وقتی صندوق بین‌المللی پول تأسیس شد، دلار آمریکا به قدرتمندترین ارز تبدیل گردید. ابتداء نقش صندوق بین‌المللی پول تنها کمک به تراکنش‌های بین‌المللی بود، اما آن‌طور که امروز شاهدیم، این نهاد از حدود تعیین شده اهداف اولیه خود تجاوز کرده است. اکنون صندوق بین‌المللی پول اهرم قدرتمندی برای ایالات متحده و چند کشور اروپایی است تا به تأمین مالی کشورها/رژیم‌های همسو با سیاست‌های خود بپردازد. برای نمونه امروزه تقریباً ۲۰ درصد سهام این صندوق به ایالات متحده تعلق دارد.

هدف اصلی کنار گذاشتن ستندرد طلا اینست که دولت می‌تواند به صورت بی‌پایان و با دو هدف اصلی پول چاپ کند. اول این‌که اگر ستندرد طلا حاکم بود، بودجه عظیم دفاعی و جنگ‌های بیهوده نیابتی امکان‌پذیر نمی‌شد. دوم، این‌که کسانی که بانک مرکزی را کنترل می‌کنند قادر به استخراج بهره از بدهی ملی که اکنون از کنترل خارج شده است، نمی‌بودند. بنا بر این، آن پول بی‌پشتوانه‌ای که ظاهراً با «اعتماد و اعتبار کامل» به دولت پشتیبانی می‌شود، یعنی دالر، دارای ارزشی است که سیاست‌مداران و وزرای اقتصاد دروغ‌گو بیان می‌کنند.

نگاه مختصری به آشفته بازار اوراق قرضه، نامتعادل بودن غم‌انگیز آن‌را در سطح جهان نشان می‌دهد. امریکا که اکنون بیش از ۵۱ تریلیون دالر بدهی معوقه دارد، بیشتر از مجموع کشورهای چین، جاپان، المان، ایتالیا، انگلستان، و کانادا برای تأمین مالی جنگ‌ها و برنامه‌هایش مقروض شده است. مالیات دهندگان امریکائی مسؤول پرداخت تقریباً ۴۰ درصد تمام بدهی خارجی در جهان هستند و چشم‌انداز کوتاه و درازمدت آینده می‌تواند بهتر از این‌ها باشد. جو بایدن حتی خواهان استقراض بیشتر است، چون دستگاه حکومت او مجری یک جنگ نیابتی علیه روسیه در اوکراین است. با سرازیر شدن میلیاردها دالر به فاسدترین کشور اروپا، امریکائی‌ها در لبه پرتگاه فاجعه اقتصادی قرار گرفته اند که از زمان بحران بزرگ تا به حال سابقه نداشته است.

بنا بر گزارش مرکز سیاست‌های احزاب دوگانه (دمکرات و جمهوری‌خواه) و دفتر بودجه کنگره، دولت تا تابستان یا اوایل پائیز دیگر قادر به پرداخت (حقوق و مزایا) به مردم - از جمله صاحبان اوراق قرضه، دریافت کنندگان تأمین اجتماعی، و استخدام شدگان دولت مرکزی - نخواهد بود. گزارشی از نیویارک تایمز در اواخر ماه مارچ خطوط کلی وضعیت را بیان می‌کند. اما اوضاع بسیار وخیم‌تر از آنست که خیلی از کارشناسان اظهار می‌دارند. فارغ از این‌که قانونگذاران به چه سمتی حرکت کنند، ایالات متحده با مشکلات غیر قابل حل مالی مواجه است. چه آن‌ها حد بدهی‌ها را بالا ببرند یا نه، عواقب آن وحشتناک خواهد بود. و اگر کشورهای بریکس دالر را از ارز مبادلاتی خود حذف کنند ... خوب.

چنان‌که متخصصان پیش‌بینی می‌کنند، اگر دنیا استفاده از دالر را به عنوان ذخیره ارزی جهانی متوقف کند، اسکناس سبز (دالر امریکا) ارزش چاپ کاغذ را هم نخواهد داشت. به علاوه، اگر دالر ارزش خود را به طور قابل توجهی از دست بدهد، هر امریکائی که به کارت اعتباری خود بدهکار است یا بدهی وام خانه دارد، مشکلات پرداخت وام‌ها برایش ده‌ها بار سخت‌تر خواهد شد.

برای این‌که کار از این هم وخیم‌تر بشود، میلیون‌ها شغل را فدای فدرال رزو می‌کنند تا از هر طریقی شده به ثبات مالی برسند. ارزیابی متخصصان مؤسسه آر اس ام اینترنشنال\* نشان می‌دهد که بانک‌های مرکزی باید «القاء» کنند که رکود اقتصادی تحت کنترل است. و این‌که بی‌ارزش شدن دالر از سوی جامعه جهانی در ارزیابی‌شان به عنوان یک عامل در نظر گرفته نشده است.

خلاصه این‌که اگر ستندرد طلا هنوز ادامه داشت، با چنین مشکلی روبه‌رو نمی‌شدیم. ستندرد طلا خطر چنین بحران‌ها و رکودهایی را کاهش می‌داد. هنگامی‌که نظام پشتوانه شمش طلا جریان داشت، سطح درآمدها بالاتر می‌بود. مهم‌تر این‌که ستندرد طلا محدودیت‌های محکمی بر چاپ پول و هزینه‌های نظامی اعمال می‌کرد. برای اطلاعات بیشتر، گزارش this Barron نشان می‌دهد که چگونه نظام ناکارآمد جاری به وجود آمده است. این اطلاعات مانند گوی بلورین آینده را پیش‌بینی می‌کند.

با افول اعتماد به دالر و تهاجمی شدن سیاست‌های خارجی امریکا نسبت به کشورهای عضو بریکس، نقطه اوج هژمونی امریکا نزدیک‌تر می‌شود.